

آینة ایران

«**اینستکس**» در ابتدای راه

● ثبت سازوکار ویژه مالی ایران و اروپا سرانجام پس از کش‌وقوس‌های فراوان و مذاکرات طولانی که اتحادیه اروپا در بین اعضای خودش داشت، تحت عنوان «اینستکس» راه‌اندازی شد. آغاز عملیات اجرای این سازوکار از سوی اروپایی‌ها از چند منظر قابل‌تأمل است، یکی جنبه خوش‌بینانه آن است که نشان می‌دهد روند تعاملات میان ایران و اروپا تا چه اندازه مثبت است و از جهت دیگر از نگرانی اروپا درباره برجام بدون ایران حکایت می‌کند. اما از منظر سوم یعنی وجه واقع‌بینانه ماجرا، راه‌اندازی این کانال مالی که پس از چند ماه از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای صورت گرفته همه آن چیزی نیست که برای احقق‌کردن منافع اقتصادی ایران کافی باشد. اروپا نخستین گام را برداشته است. گامی که قرار است در مرحله نخست مسیر تأمین ضروری‌ترین و اصلی‌ترین کالاهاى مورد نظر جمهوری اسلامی را مطمئن سازد و سپس چنانکه مورد تأکید مقام‌های اروپایی قرار گرفته دامنه وسیعی از تعاملات اقتصادی در طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها و کالاها را شامل شود.

کیست آن

چرا این جسد متعفن را دفن نمی‌کنید؟!

● **حسین شریعتمداری، مدیرمسئول کیهان:** ... براساس اظهارات صریح مقامات رسمی کشورمان، از رئیس‌جمهور تا وزیر خارجه و معاون ایشان، اولاد منظور و مقصود اصلی از مذاکرات هسته‌ای «لغو تحریم‌ها» بوده است و نه حتی تعلیق آنها و ثانیاً؛ لغو همه تحریم‌ها بخشی از متن برجام بوده است و ثالثاً؛ لغو همه تحریم‌ها بایستی در همان اولین روز اجرایی‌شدن برجام صورت می‌پذیرفته، بنابراین ادعاهای بعدی آقایان که هدف برجام اقتصادی و لغو تحریم‌ها نبوده است، سخنی خلاف و- با عرض پوزش- کذب محض است! واما، نه فقط هیچ‌یک از وعده‌های رسماً اعلام‌شده دولت درباره لغو تحریم‌ها عملی نشده بلکه ده‌ها تحریم دیگر نیز به تحریم‌های قبلی اضافه شده است! اکنون سؤال این است که وقتی هیچ‌یک از آنچه حریف در برجام متعهد شده بود، تحقق نیافته است، از برجام غیر از یک «جسد متعفن»! چه باقی مانده است؟! و چرا دولت محترم این جسد متعفن را دفن نمی‌کند که هر روز عفونت جدیدی نظیر FATF و CFT و SPV و پانرمو و اخیراً INSTEX، در فضای سیاسی و اقتصادی کشور منتشر نشود؟ اروپایی‌ها اعلام کرده‌اند که به برجام متعهد می‌مانند و از ایران نیز خواسته‌اند از برجام خارج نشود! اما به این سؤال پاسخ نمی‌دهند که کدام برجام مورد نظرشان است؟!

نظر تندروان

نگرانی‌های حیاتی درباره Instex

... در همین آغاز کار نگرانی‌های بسیار مهمی وجود دارد که اگر به آنها پرداخته نشود، INSTEXنه‌تنها کمکی به سبک‌کردن فشار ناشی از تحریم‌های آمریکا نخواهد کرد بلکه به‌سرعت به مکمل تحریم‌های آمریکا تبدیل شده و همان اهداف آمریکا را از مسیر دیگری تأمین خواهد کرد. ۱- قبل از هر چیز هم از جانب اروپایی‌ها و هم از سوی طرف ایرانی نشانه‌هایی هست که یک سلسله توافقات جانبی انجام شده و توقع اروپایی‌ها این است که ایران در ازای فعالیت این مؤسسه -In-stex) در واقع یک مؤسسه ثبت شده در فرانسه (است) وارد مذاکرات منطقه‌ای و موشکی شود... ۲- نگرانی دیگر این است که Instex به‌تدریج تبدیل به سیاست‌چاله اروپایی شده و همه تجارت پولی که در این مؤسسه جمع می‌شود، فقط برای معاملات مشروع ایران (یعنی غذا، دارو و تجهیزات پزشکی) هزینه خواهد شد... ۳- به توجه به اصرار اروپایی‌ها به کامل‌شدن برنامه اقدام FATF در ایران به عنوان پیش‌شرط عملیاتی شدن -In-stex، دو نگرانی فوق‌العاده مهم ایجاد می‌شود...

انتقاد

معنای حقوق ۱۹میلیونی

● **عباس عیدی:** پیش از ورود به بحث متذکر شوم که بنده مخالف پرداخت حقوق‌های کلان نیستم، البته به دو شرط: اول اینکه مدیران منصوب به این پست‌ها از طریق رقابت انتخاب شوند، نه اینکه هزار تا پست را در انحصار هزارو ۲۰۰ نفر درآورد و میان خودشان توزیع کنند و معلوم هم نکنند که کارایی آنها چگونه است و تردیدی نیست که منفی است، البته این حرف به‌معنای بی‌صلاحیتی همه آنان نیست ولی درحراال باید رسیدن به پست‌ها رقابتی و بدون شرط و شروط باشد. شرط دوم هم این است که آنان برای کار خود به مردم منت نگذارند، درست مثل یک کارگری که می‌آید لوله خانه را تعمیر می‌کند و دستمزد خودش را می‌گیرد و سیاست‌گذار کارفرما است، بنابراین نباید بگویند که ما خدمت می‌کنیم و از مردم طلبکار باشیم. آنان دستمزد خود را می‌گیرند و باید به‌ازای آن نیز پاسخ‌گوی مردم باشند و نه طلبکار آنان و نگویند که برای خدا کار می‌کنند و قصد خدمت دارند. این بازی‌ها را کنار بگذارند. اگر اول انقلاب کسانی چنین داعیه‌هایی داشتند، حداقل در گرفتن حقوق نیز تا این حد بی‌پروایی نمی‌کردند.

politics@sharghdaily.ir

معین فر در گفت‌وگویی منتشرنشده از نحوه انتخاب اعضای شورای انقلاب

سه شرط مهندس بازرگان



عکس: آرژین رهبر

بهمن سال ۹۵، درست در اولین سالگرد درگذشت مهندس مصطفی کتیرایی، عضو و دبیر شورای انقلاب و اولین وزیر مسکن و شهرسازی دولت موقت بازرگان است. گفت‌وگویی درباره ایشان و تشکیل انجمن اسلامی مهندسین و همچنین نحوه انتخاب مرحوم کتیرایی در دولت موقت با مرحوم علی‌اکبر معین‌فر، رئیس سازمان برنامه و بودجه و اولین وزیر نفت دولت موقت انجام شد که در آن زمان منتشر نشد. اکنون حدود ۱۳ ماه از فوت مرحوم معین‌فر می‌گذرد اما با توجه به اینکه در این گفت‌وگو ایشان نکات جالبی درمورد نحوه انتخاب اعضای شورای انقلاب و دولت موقت گفته بود، چاپ آن در آستانه چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب خالی از لطف نیست.

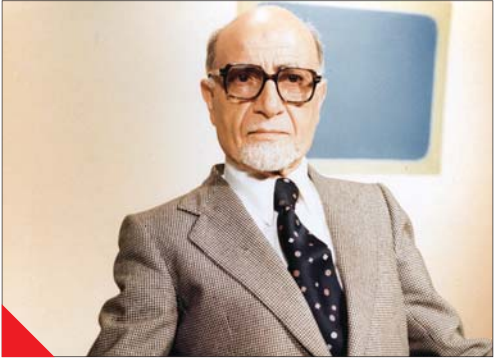
❧ **یکی از فعالیت‌های مرحوم مصطفی کتیرایی حضور در انجمن اسلامی مهندسین بود. ایده تشکیل انجمن از کجا آمد؟**
فکر تأسیس انجمن اسلامی مهندسین، ابتدا بنا بر پیشنهاد جمعی از متفکرین بنام متاع (مکتب تربیتی، اجتماعی، عملی) پیش آمد. هدف از تشکیل انجمن اسلامی مهندسین ابتدا دفاع از حقوق مهندسین مسلمان و نشر آیین‌های اسلامی دور از خرافات و با زبان روز بود. مؤسسين انجمن ۱۲ نفر بودند که بزرگوارانی چون شادروان مرحوم مهندس مهدی بازرگان، مرحوم مهندس احمد زنگنه (رئیس سازمان برنامه شادروان دکتر محمد مصدق) مرحوم مهندس منوچهر سالور، مرحوم مهندس منصور عطایی (وزیر کشاورزی دکتر مصدق)، مهندس یوسف طاهری، مرحوم مهندس عزت‌الله سحابی و مرحوم مهندس مصطفی کتیرایی و این‌جانب مؤسسين آن بودیم. مرحوم مهندس کتیرایی از سال ۱۳۳۶ یعنی زمان تأسیس انجمن تا پایان عمر خود حدود ۶۰ سال در آن فعال بودند و در توسعه انجمن نقش بسزایی ایفا کردند و در تمامی این سال‌ها جزء سخنرانان اصلی مراسم‌های مهم انجمن و از اعضای فعال انجمن اسلامی مهندسین بودند.

❧ **هدف از تشکیل متاع چه بود؟**

متاع درحقیقت اتاق فکری بود که در آن بدون هیچ‌گونه تبلیغات یا معرفی علنی با تشکیل جلسات منظم درباره مشکلات موجود و نحوه فعالیت‌های ممکن اجتماعی (با توجه به محدودیت‌های آن زمان) گفت‌وگو و تبادل نظر می‌شد. از جمله آنها فقدان نهادهای اجتماعی در جامعه ایران و همچنین توجه به نبود نهادهای اجتماعی که خارج از امور سیاسی اشتراکاتی داشته باشند، بود. در آنجا تلاش شد که نهادهای مدنی مختلفی تشکیل شود؛ یکی از آنها تشکیل شرکت سهامی انتشار

سیاست

معین فر در گفت‌وگویی منتشرنشده از نحوه انتخاب اعضای شورای انقلاب دولت موقت گفت:



عکس: علی کاوه

با تعداد بسیاری سهامدار بود. این شرکت در زمانی که نیاز به انتشار کتاب‌های مفید بود، با شرکت جمع‌کنیری از همفکران از طرف آقایان مرحوم دکتر بدالله سحابی، مرحوم مهندس مهدی بازرگان، مرحوم احمد آرام و با شرکت هزاران نفر که هریک مبلغ اندکی را به‌عنوان خرید سهام شرکت پرداخت کرده بودند، تشکیل شد و هنوز هم این شرکت پایدار و در تاریخچه خود کارنامه درخشانی از چاپ و نشر کتب مفید دارد. همچنین پیشنهادهایی برای تشکیل انجمن‌های اسلامی در صنوف مختلف مورد توجه قرار گرفت که تشکیل انجمن اسلامی مهندسین، انجمن اسلامی پزشکان و انجمن اسلامی معلمان از این‌قبیل بود. انجمن اسلامی پزشکان از طرف جمعی از پزشکان خوشنام و مسلمان مانند مرحومان دکتر حسین عالی، دکتر نوربخش، دکتر سامی (اولین وزیر بهداری دولت موقت) دکتر عباس نکوفر و آقای دکتر کاظم یزدی (آخرین وزیر بهداری دولت موقت) تشکیل شد. انجمن اسلامی معلمان نیز به وسیله مرحوم مطهری و چند نفر از معلمان خوشنام تشکیل شد، حتی انجمن اسلامی بانوان نیز تشکیل شد که کارگردان اصلی این انجمن مرحوم خانم کاتوزیان بودند. البته متاع در اثر فشارهایی که در زمان دیکتاتوری رژیم شاه بود، نتوانست به کار خود ادامه دهد اما بعد از پیروزی انقلاب جلسهای برای تجدید فعالیت آن در منزل مرحوم مهندس عزت‌الله سحابی تشکیل شد که در پایان جلسه و هنگام خروج مرحوم مطهری از منزل مورد اصابت گلوله گروه فرقلان قرار گرفت و به شهادت رسید.

❧ **علت انتخاب مرحوم مهندس کتیرایی برای شورای انقلاب چه بود؟**
معرف اصلی ایشان به آیت‌الله خمینی، مرحوم مطهری بود و این معرفی در زمان مسافرت ایشان به پاریس انجام گرفت. قبل از آن نیز در زمانی که قرار بود برای اعتصابات نفتی کمیسیونی تشکیل شود تا اعتصابات را سازماندهی و بتوانند مصرف داخلی را تأمین کنند، یکی از افرادی که در این کمیسیون به پیشنهاد مرحوم مطهری معرفی شد، مرحوم کتیرایی بود. امام خمینی همیشه اصرار داشت وقتی که هیئت‌هایی را مشخص می‌کند حتی‌المقدور از آوردن اسامی افراد پرهیز کند تا افراد نتوانند از این طریق سوءاستفاده کنند؛ بنابراین برای هیئت اعزامی نفت سه نفر را مشخص کرد. نحوه نگارش متن انتصاب حکم هم این‌گونه بود که آقای مهندس بازرگان به اتفاق جناب آقای مهندس کتیرایی و آقای شیخ اکبر هاشمی‌رفسنجانی و دو نفر دیگر که خود آقایان انتخاب می‌کنید، به نواحی نفت‌خیز رفته و کاری بکنید که حداکثر فشار را بر حاکمیت بیاورید ضمن اینکه مردم از نظر احتیاجات سوختی خود

الزامی ندارد دولت دو دوره‌ای باشد

همین دولت سازش کنید؛ اما مبنای شما دفاع با عدم

دفاع از یک فرد نیست؛ بلکه پیشبرد نظریه روشن است.

❧ **شاخصه جریان مدنظر شما چه بود؟ چارچوب داشت؟**

من که چارچوب نظری برای خود داشتم؛ اما دوستان می‌گفتند فرض اینکه دولت یک‌دوره‌ای داشته باشیم، مطرح نیست. بحث من روشن بود که آخر کار برای حوزه اقتصاد باید صددرصد مداخله در اقتصاد خصوصی را کنار بگذاریم. نظریات من هنوز هم روشن است؛ اما دوستان ما فرضیه دولت یک‌دوره‌ای را نمی‌پذیرفتند و یکی از اشتباهات بسیار بزرگ اصلاح‌طلبان همین اصرار بر دولت دو دوره‌ای بوده و هست. برای دولت بعدی هم باید فرض را بر بر وجود یک دوره‌ای بگذارند.

❧ **به نظرتان حاصل دولت‌هایی که پشتوانه‌شان رای اصلاح‌طلبان است و با دولت کاری ندارند، چه تأثیری بر انتخابات بعدی می‌گذارد؟ اصلاح‌طلبان چقدر شانس دارند که در انتخابات بعدی به این موضوع فکر کنند؟**

جریان سیاسی استراتژی‌اش را نباید بر مبنای موفقیت‌داشتن یا موفقیت‌نداشتن بگذارد؛ بلکه باید بر مبنای این بگذارد که چقدر می‌تواند مسائل واقعی ایران را اصلاح، صورت‌بندی و درباره راه‌حل‌ها بافشاری کند. اگر جریان سیاسی روی اسب برنده شرط ببندد، آن وقت ممکن است آن اسب، اسب خودش نباشد. همچنان که نیست! چه دلیلی دارد جریان سیاسی شرط ورودش برنده‌شدن باشد؟ شرط ورودش باید صورت‌بندی درست مسائل باشد. اگر در این دوره موفق نشد، در دوره بعدی موفق می‌شود. یکی از مشکلات ما سراسیمگی و بی‌تابی برای پیروزی فوری است.

❧ **تصور نمی‌کنید اعتماد عمومی آسیب دیده؟ در یک سال گذشته نه‌تنها نتایج دلخواه به دست نمانده؛ بلکه شرایط سخت‌تر شده. به نظرتان سرمایه اجتماعی آسیب ندیده؟ چه کسی قرار است این سرمایه اجتماعی را بازسازی کند؟ اعتماد به جریان اصلاح‌طلب به نظرتان به‌نوعی مخدوش شده؟ تا انتخابات بعدی چطور قرار است بازسازی شود؟**

حرف خوبی زدید. اعتماد از این نظر آسیب دیده

که جریان اصلاح‌طلب روی اسبی سرمایه‌گذاری

کرده؛ ولی اسب را کس دیگری برده است. این بی‌اعتمادی هست که اگر دوباره روی یک اسبی سرمایه‌گذاری کنیم و کسی دیگر ببرد، چه خاکی به سرمان بریزیم؟ حرف شما را تأیید می‌کنم؛ اما علت چیزی که گفتید، همین اتفاق است. اصلاً نباید روی پیروزی در یک انتخابات شرط بست. باید روی درستی مواضع شرط بست. دراین‌صورت جامعه می‌تواند به شما اعتماد کند.

❧ **پس به نظر شما باید حاکثری وارد شویم و مواضع‌مان را صریح بگوییم. یک نامزد با شاخص‌های اصلاح‌طلبی که ممکن است تأیید شود یا نه...**

بله، حسن این روش این است که حداقل سرمایه اجتماعی‌تان را از دست نداده‌اید. مشکل این است که شما سرمایه اجتماعی‌تان را فروخته‌اید و کسانی که به شما اعتماد کرده‌اند، می‌بیند آن اسب که شما راجع به آن داب سخن داده بودید، اساساً با در اختیاراتان نیست یا اصلاً وجود ندارد. نظریه شما را تأیید می‌کنم که سرمایه اجتماعی به‌شدت ضربه خورده؛ اما علت یکی از درست‌ترین کارهایی که اصلاح‌طلبان و جریان‌های سیاسی در ایران باید بکنند، این است که مواضعی را اعلام کنند و روی مواضع‌شان بایستند. فرض کنید من در دولت حرفی می‌زنم، نشد؟ از دولت بیرون می‌آیم، نابود که نمی‌شوم.

❧ **مقابل این نظریه جوابی هم**

ممکن است بشوینم که می‌گویند ما حاکثری وارد می‌شویم. نامزدمان به آن مرحله نمی‌رسد؛ پس ما شرکت نمی‌کنیم و کنار می‌نشینیم.

این یعنی از ترس مرگ خودکشی‌کردن. من می‌گویم در هر حالتی باید از حقوق قانونی استفاده کنیم و در انتخابات شرکت کنیم. اصلاً حزب یعنی چه؟ یعنی اینکه شما می‌گویید ما گروهی هستیم که مسائل این کشور را درست صورت‌بندی می‌کنیم و برای این صورت‌بندی راه‌حل داریم. نه اینکه بگویید ما حزبی هستیم که دوست داریم این آقا و خانم رئیس شوند؛ چون ما دو‌دست هستند. اینکه حزب نیست، باند است. سال ۸۴ و ۸۸ هم همین نظریه را داشتیم و مقاله‌ای نوشتم. در خبرآنلاین روز وبلاگم



عکس: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

فشاری نبینند. به انتخاب آن هیئت، مرحوم مهندس کاظم حبیبی که از نزدیکان مرحوم دکتر مصدق بود و آقای مهندس صباغیان نیز انتخاب شدند و کار رسیدگی به اعتصابات نفت را انجام دادند. تشکیل این هیئت حدود یک ماه قبل از تشکیل شورای انقلاب بود. بعد از تشکیل شورای انقلاب اعضای اولیه آن تعدادی از روحانیون مانند مرحومان مطهری، دکتر بهشتی، موسوی‌اردبیلی، مهدوی‌کنی، هاشمی‌رفسنجانی و دکتر باهنر بودند و غیر از این افراد تعدادی از امرای بازنشسته و خوشنام ارشش که مخالف رژیم شاه بودند نیز مانند مرحوم سرتیپ مسعودی و مرحوم قرنی به عضویت این شورا درآمدند. مرحومان مهندس بازرگان، دکتر سحابی و دکتراحمد صدر حاج‌سیدجوادی و مرحوم مهندس مصطفی کتیرایی هم از اعضای اولیه شورای انقلاب بودند. البته در ابتدای تشکیل شورای انقلاب مرحوم آیت‌الله طالقانی حضور نداشت و پس از آن به عضویت و ریاست شورای انقلاب انتخاب شد. چند روز پس از ورود امام خمینی به ایران هم آقایان دکتر ابراهیم یزدی، مرحوم صادق قطب‌زاده و ابوالحسن بنی‌صدر که به ایران مراجعت کرده بودند، به این شورا اضافه شدند.

❧ **علت انتخاب مرحوم کتیرایی به‌عنوان وزیر مسکن دولت موقت چه بود؟**

مهندس بازرگان و شورای انقلاب اولیه ضوابطی برای کار داشتند. آنها معتقد بودند کسی را که انتخاب می‌کنند باید این سه اصل را داشته باشد؛ یکی اینکه مسلمان و متدین به معنی نمازخوان باشد، دوم اینکه مجرب باشد و بتواند از عهده آن مسئولیت برآید و سوم اینکه با دستگاه رژیم سابق همکاری نزدیکی به معنای استعانت به ظلم نداشته باشد. بنابراین مهندس بازرگان در انتخاب وزرای خود چنین دقتی می‌کرد مثلاً مهندس یوسف طاهری در وزارت راه مشغول بود و به‌خوبی او را می‌شناختمند و متدین بود و با دستگاه حاکمه همکاری نکرده بود. مهندس کتیرایی در سازمان مسکن کار می‌کرد، بنابراین آنجا شناخته‌شده و قابل قبول بود. یا درباره من که در سازمان برنامه بوم فکر می‌کردند که شرایط را دارم یا مرحوم علی اردلان را به‌عنوان وزیر دارایی انتخاب کردند، زیرا در وزارت دارایی کار کرده بود و تشخیصی خوشنام و مورد قبول هم بود. آقای مبشری نیز از شخصیت‌های قدیمی وزارت دادگستری، قاضی باسابقه و رئیس بازرسی کل کشور بود و آدم شناخته‌شده‌ای بود و شرایط مدنظر مهندس بازرگان و شورای انقلاب را داشت. مهندس کتیرایی و بقیه آن سه شرطی که عرض کردم را داشتیم و برای دولت موقت انتخاب شدیم.

هنوز هم هست. من نوشتم هیچ‌یک از بزرگان نباید کاندیدا بشوند؛ حتی آقای موسوی و هاشمی. اینکه روی آدم‌ها شرط می‌بندید، اشتباه است. به جای اینکه این حرف‌ها را بریزید، ببینید صورت‌مسئله ایران چیست و چه راه‌حلی دارید. بعد بگویید این فرد می‌تواند مشکلات را حل کند. این چه کشوری است که آخر کار هر زمان می‌خواهند رئیس‌جمهور انتخاب کنند؛ یا هاشمی است یا خاتمی، ناطق و کروبی و امثال آنان. این است که به نظر من رئیس‌جمهور دودوره‌ای سم مهلك است. دوم اینکه به جای شرط‌بندی روی اسب، باید روی مواضع شرط‌بندی کرد. دراین‌صورت شکست هم با شرافت خواهد بود. الان پیروزی‌اش هم خیلی قابل دفاع نیست.

❧ **به نظرتان راه نجات برای ۱۴۰۰ چیست؟ شما برنامه‌ای برای ۱۴۰۰ دارید؟**

اصلاح‌طلبان هرچه دیرتر شروع کنند، بیشتر زیان می‌کنند. نه اینکه برای محبوبیت به دولت نامزاً بگویند. این کار از نظر اخلاقی زشت است؛ اما از الان اصلاح‌طلب‌ها باید صورت‌بندی درست مسائل ایران بگیریم صورت‌مسئله چالش‌های اقتصاد ایران چیست و چه راه‌حلی داریم. این مهم‌تر است تا بگوییم این دولت بندی است یا بد است. آخر کار باید بتوانیم برای صورت‌بندی مسئله داخلی ایران راه‌کار بدهیم. الان این‌قدر جامعه پرتش شده و همه دنبال این هستند که به یک نفر دشنام سخت‌تری بدهند و هرکه این کار را بکند، می‌گویند این فرد خوب‌تری است. ممکن است با نامزاکفتن دل یک عده خنک شود؛ اما در نهایت دردی درمان نمی‌شود. به دوستان اصلاح‌طلب بارها گفته‌ام باید موضعی متعادل از منظر داشتن یک صورت‌بندی از مسائل و راه‌حل‌ها داشت. اگر این داستان به وجود بیاید، معلوم می‌شود نزدیک‌ترین کسی که می‌تواند این نطرات را اجرا کند، کیست. درباره خودم فعلاً در فکر ۱۴۰۰ نیستم. در فکر این هستم که بتوانم واحدهای درسی‌ام را برای بهمن‌ماه تنظیم کنم و صورت درس‌هایم را به‌روز کنم. دوم مهم دنبال جمع‌بندی نظرات ایران‌شهری خودم هستم.

❧ **درباره این موضوع در جریان اصلاح‌طلب صحبت کرده‌اید که بتوانند به یک برنامه واحد در موضوع مشکلات موجود برسند و راه‌حل داشته باشند؟**

من زیاد گفته‌ام؛ ولی تاآنجاکه من می‌دانم، در جمع‌های بزرگ کاری صورت نمی‌گیرد.

خبر

ورود آیت‌الله عیسی قاسم به مشهد

● **شرق:** آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، رهبر شیعیان بحرین، به شهر مشهد مقدس سفر کرده است. به گزارش «مهر» المقاوم پایگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله عیسی قاسم از نقل‌مکان ایشان از نجف اشرف به شهر مقدس مشهد خبر داد. عیسی قاسم پیش از این بیش از دو سال در محاصره نظامی دولت بحرین بود، اما تیرماه سال جاری و پس از گذشت ۱۴ ماه از حصر خانگی و به دلیل وخامت حال با موافقت پادشاه بحرین برای درمان بیماری به لندن منتقل شد. او اخیراً به نجف نیز سفر کرد و با آیت‌الله سیستانی، مرجع تقلید شیعه هم دیدار داشت.

ادامه از صفحه اول

مسئول باخت کیست؟

آقای تاج هم می‌گوید سرمربی سابق عصبانی بوده، چون پاداش بازیکنان نرسیده بوده است. یاللعجب! تیم ملی یک کشور را به پادش گره می‌زنند، درحالی‌که بازیکنان همه قراردادهای میلیاردی دارند و به این پول نیازی ندارند. این مربی گران‌بهای چند میلیون دلاری برای نرسیدن پاداش بازیکنان یا هر مسئله دیگری علیه بالاترین رکن ورزش کشور مصاحبه می‌کند که موجب شکست روحی و اخلاقی تیم، خدب ملی و فدراسیون است. وقتی مربی این همه پر خاش‌جو و عصبانی است، طبعاً این امر به بازیکنان نیز منتقل می‌شود.

۳- درحالی‌که هشت سال پیش فدراسیون اعلام کرد طبق قرارداد، آقای کی‌روش بر همه تیم‌های یاه نظارت دارد و همه تیم‌های پایه را هماهنگ می‌کند، اکنون می‌گویند در قرارداد، از واژه تعامل استفاده شده است! آیا معنی تعامل را قبلاً نمی‌دانستند و حالا در دفاع از کی‌روش چنین می‌گویند یا مسئله دیگری در میان است؟

۴- فدراسیون فوتبال در هشت سال اخیر همه اظهارات کی‌روش درباره فوتبال ایران، مربیان ایرانی، فدراسیون و جنگ‌های حیدری - نعمتی او را به قول معروف زیرسبیلی رد کرده و حالا نیز همچنان همان روش را ادامه می‌دهد. بهتر است مردم را کم‌شعور فرض نکنند و از مربی نامداری که میلیون‌ها دلار گرفته و هرازچندی سلیقه‌های نامربوط خود را عیان می‌کند، دفاع بی‌ضابطه نکنند. کجای دنیا بازیکنی که در سال‌های گذشته ستون دفاعی تیم ملی بوده و به لطف او پرسپولیس در سال جاری به موفقیت رسیده و هیچ مشکلی ندارد، حذف می‌شود و از بازیکنان ناآآمدها یا کسانی که اصلاً در سال جاری هیچ تیمی ندارند و بازی نکرده‌اند، استفاده می‌کنند تا از جانب منطقه همین بازیکن در بازی ژاپن سه کل دریافت کند و تیم ملی ضربه بخورد؟

۵- ۷۰ درصد گل‌های تیم ملی در بازی‌های اخیر روی اشتباهات فاحش مدافعان و حریفان که همه تیم‌های از ۲ و ۳ آسیایی بودند به ثمر رسید و تقریباً هیچ‌کدام با طراحی هافبک‌ها و مدافعان و نقشه‌های متداول فوتبال به ثمر نرسید. آیا این است تاکتیک یک تیم ملی که هشت سال زیر نظر مربی مربوطه بوده است؟

۶- ژاپن تیم ملی ایران را به‌درستی تحقیر کرد و این باید درسی باشد برای ما. اما از مربی بومی، بازیکنان جوان و نظم و انضباط پیروی می‌کنند و ما با میلیون‌ها دلار و استفاده از یک مربی خارجی که همه‌چیز کشور ایران را به باد انتقادهای یک‌سویه می‌گرفت، برای اداره فدراسیون برنامه می‌داد، توقعات روزافزون داشت و... حرفی برای گفتن نداشتیم؛ تازه می‌گوییم از اقتصاد مقاومتی پیروی کرده‌ایم، این اقتصاد وادادگی است نه مقاومتی.

۷- تا زمانی که فقط به پیروزی می‌اندیشیم و می‌خواهیم همه عقده‌های خود را با پیروزی‌های ورزشی خالی کنیم، به رستگاری ورزشی نمی‌رسیم. عنوان‌هایی مثل قتل تیم را در هم کویدیم، بر فلان کشور چیره شدیم و سایر عنوان‌های تحقیرکننده تیم‌های خارجی از همین عقده ناشی می‌شود.

۸- تیم ملی متعلق به یک کشور است و در سطوح مختلف باید حمایت ملی و اداری را حس کند. اما وقتی سرمربی به‌جای تمرکز بر فعالیت تخصصی و وظایفش، خود را فعال مایشتا بداند، هیچ مزیتی برای بزرگان قائل نشود و بزرگ‌ترا هم ترس از ناز و ادا و تندی مربی داشته باشند، تیم ملی بی‌پشتوانه می‌شود.

۹- دقت کنید در ۴۳ سال اخیر که تیم ملی بزرگسالان ایران قهرمان آسیا نشده، افرادی مانند دهداری، مایلی‌کهن، قلعه‌نویی، قطنی و پرنانگو سرمربی تیم بوده‌اند. اگرچه در مسابقات جام ملت‌های آسیا چه در نیمه‌نهایی یا یک‌چهارم حذف شدیم، اما توسط خود مربیان تحقیر نشدیم. حالا در مراسم فینال یک کشور با یک میلیون جمعیت قهرمان می‌شود و ما در بازی نیمه‌نهایی به بازنده سه‌گله فینال، سه بر صفر باختہ بودیم. آن هم کشوری با ۸۰ میلیون جمعیت که در منطقه تأثیرگذار است و استعدادهایی درخور توجه در رشته‌های متعدد ورزشی دارد. چه کسی مسئول است؟ مسئول باخت اخلاقی، ورزشی، مدیریتی و مالی فوتبال ایران کیست؟